

سال‌ها که زندگی در صربستان برنده شد: جنبش آتپور علیه میلوسویچ

بینش و انگیزه



در دهه نود مردم کشورهای بالکان از سرکوب سیاسی، وضعیت بد اقتصادی و تحریم رنج می بردند. در ۱۹۹۰ اسلو بودان میلوسویچ رئیس جمهور جمهوری سوسیالیستی صربستان با بهره گیری از موج ناسیونالیستی صرب ها به قدرت رسید و تنش های نژادی بین صرب ها، کروات ها و آلبانی ها افزایش بی سابقه ای یافت. هم زمان با اوج گیری درگیری های خشن بین قومیت های مختلف در یوگوسلاوی سابق، میلوسویچ با بهره گیری از پلیس مخفی و نیروی نظامی برای سرکوب مخالفین، رژیم خود را تحکیم کرد.

در هفدهم نوامبر ۱۹۹۶ در انتخابات محلی و شهرداری ها، میلوسویچ شکست سختی را متحمل شد و ائتلاف مخالفین (ژاژدنو) در شهرداری های سی و دو شهر، از جمله بلگراد به پیروزی رسیدند. میلوسویچ که سال ها قدرت خود را تحکیم بخشیده بود حاضر نشد تن به شکست بدهد و نتایج انتخابات را به دلیل بی نظمی، ابطال کرد.^[1]

هزاران صرب که از تقلب در انتخابات توسط میلوسویچ خشمگین بودند در بلگراد و سایر شهرها به عنوان اعتراض به بی عدالتی سیاسی به خیابان ها ریختند.

دانشجویان دانشگاه بلگراد در پایتخت اقدام به راه پیمایی کردند و اعتراضات به سرعت به سایر شهرها نیز سرایت کرده و تظاهرات عظیم توده ای در طی سه ماه آینده تحت رهبری دانشجویان و رهبران مخالفان (ژاژدنو) بر گزار شد. محافل بین المللی به میلوسویچ فشار آوردند که نتایج انتخابات را بپذیرد و سرانجام او در فوریه ۱۹۹۷ اعلام کرد که برندگان می توانند کنترل شهرداری ها را در دست بگیرند.^[2]

علی رغم شکست در جبهه داخلی و محدودیت دو دوره ای رئیس جمهوری بر طبق قانون اساسی، میلوسویچ در ۲۳ جولای ۱۹۹۷ به عنوان رئیس جمهور فدرال یوگوسلاوی (شامل صربستان و مونته نگرو) انتخاب شد. بعدا در سال 1998 پارلمان صربستان دو قانون را تصویب کرد که بر طبق آن، رسانه های مستقل و آزادی های دانشگاهی محدود شدند.^[3]

در اکتبر ۱۹۹۸ گروهی از دانشجویان دانشگاه بلگراد تشکیلاتی به نام آتپور (به معنای مقاومت) را به وجود آوردند. جنبشی دموکراتیک که هدف آن صربستانی آزاد و فارغ از رهبری میلوسویچ بوده و بتواند مانند بقیه کشور های اروپائی باشد. آن گونه که " داورین پوپویچ" فعال سیاسی آتپور و موزیسین پاپ می گوید: "ما می خواهیم مثل بقیه باشیم. کار کنیم و شغل شرافتمندانه ای داشته باشیم. به جای ارادل و اوباش و بی سوادان، مردمانی هوشمند بر ما حکومت کنند و تحت حکم رانی قانون باشیم."^[4]

اهداف و مقاصد

اعضای آتپور دارای تنوع فکری بودند ولی در یک هدف اشتراک داشتند و آن هم پایین آوردن حکومت میلوسویچ بود. ضمن آن که هدف نهایی جنبش، آزادی و انتخابات عادلانه در کشور بود. ایوان ماروویچ یکی از بنیان گذاران جنبش می گوید: " هدف اولیه تغییر رژیم بوده و اصلاحات در سیستم در مرحله بعدی قرار می گرفت."^[5] اما تغییر رژیم برای گروهی از دانشجویان که در مقایسه با نیروهای رژیم در ابتدا، اندک و ناتوان بودند، هدف بلند پروازانه ای بود.^[6] ماروویچ می گوید " ما نمی توانستیم از زور برای مقابله با کسی استفاده کنیم که سه برابر ما نیرو و اسلحه داشت. ما می دانستیم در " تیان آن مین" چه گذشت؟ جایی که تانک ها از روی دانشجویان رد شدند."^[7] علاوه بر آن، " آتپور" می خواست راهی متفاوت از روش های خشن میلوسویچ در پیش بگیرد: کنش های صلح آمیز. جنبش می خواست ثابت کند که " صرب ها متمدن هستند."^[8] بنابراین آتپور تصمیم گرفت که رژیم را از طریق کنش های بی خشونت و انتخابات به مبارزه بطلبد و برای این منظور صرب ها را پشت سر یک کاندیدای واحد برای مقابله با میلوسویچ متحد کند. آتپور که با روش های رژیم آشنایی کامل داشت، از دو سال قبل خود را برای انتخابات سال ۲۰۰۰ آماده کرد. ابتدا آن ها نیاز داشتند که مخالفین متشتت را، پشت سر یک کاندیدای واحد متحد نموده و پس از آن که کاندیدای آن ها برنده شد، مردم را برای حفاظت از این پیروزی بسیج کنند. آن ها به این نتیجه رسیدند که بهترین روش برای رسیدن به این مقصود، اعتصاب سراسری است که چرخ مملکت را کاملاً متوقف کند.^[9]



آتپور در میان بسیاری از جنبش‌های دموکراسی‌خواهی بی‌خشونت در اروپای شرقی که در دوران بعد از اتحاد شوروی ظهور کردند، کیفیتی یگانه داشت، به این معنی که رهبری رسمی نداشت. گروهی از فعالان بودند که در بنیان‌گذاری و عملیات آتپور نقش اساسی داشتند. به عنوان مثال ایوان آندریچ، انتخاب شعارها و تبلیغات را به عهده داشت. پاژاگ لیچ، مسئول چاپ و توزیع اعلامیه‌ها و نشریات بوده و اسلوبودان هومان، تماس‌های بین‌المللی را به عهده داشت. هیچ‌کس به عنوان رهبر برگزیده نشده بود.

با توجه به این که رژیم کوچک‌ترین تردیدی در ارباب و زندانی کردن رهبران به خود راه نمی‌داد، نبود رهبری مشخص در آتپور، این تشکیلات را در برابر فشار مقاوم‌تر کرده بود. به گفته یک فعال آتپور "ایده این بود که اگر سر یک عضو آتپور را قطع کنند، پانزده سر دیگر ظهور کند".^[10] علاوه بر آن، این امر سبب ایجاد یک سپر حفاظتی برای اعضای آتپور نیز شده بود. یکی از اعضای آتپور می‌گوید: "چیزی که مرا به هیجان می‌آورد این است که رهبری وجود ندارد و بنابراین خطر خیانت نیز وجود ندارد".^[11]

از آغاز جنبش، آتپور از حمایت مردمی بالایی، بر خوردار بود و علت آن به گفته ماروویچ این بود که: "مردم در ما، آینده صربستان را می‌دیدند و به همین علت ما را دوست داشتند".^[12] اگر چه این حامیان به علت سرخوردگی از شکست‌های قبلی در مقابله با میلوسویچ، از پیوستن به جنبش اکراه داشتند.^[13] آتپور نیاز داشت که این افراد را برای شرکت فعالانه در اعتصاب سراسری مورد نظرش متقاعد کند.

ماروویچ برنامه آتپور برای گسترش پایگاه مردمی خود را این‌گونه توضیح می‌دهد "ما به مردم باید از طریق مثال‌های شخصی و پیروزی‌های کوچک، نشان می‌دادیم که پیشرفت عملی است".^[14] آتپور با هم‌کاری در سطوح محلی و منطقه‌ای برای حل مسائل زندگی معمولی مانند کمبود برق و یا برخورد با شهرداران فاسد، صرب‌ها را قانع کرد که جنبش می‌تواند موثر باشد. از همه مهم‌تر آن‌گونه که ماروویچ می‌گوید: "مردم این مشکلات محلی را به مشکلات کلی مملکت که در حقیقت رژیم میلوسویچ بود ربط می‌دادند. بنابراین وقتی ما این مشکلات محلی را در معرض دید مردم قرار دادیم خواه ناخواه چالش‌های کلی مملکت نیز در معرض دید آن‌ها قرار گرفت".^[15]



صربستان هم زمان درگیر با چهار جنگ بود. در مارس ۱۹۹۹ ناتو بمباران صربستان را به علت امتناع میلوسویچ از تخلیه نیروهایش از کوزوو شروع کرد و تعداد زیادی پناهنده به داخل صربستان سرازیر شدند. اقتصاد صربستان از تورمی سرسام آور و تاریخی رنج می برد^[16] و علاوه بر شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی، رژیم میلوسویچ کماکان سرکوب گر و فاسد باقی مانده بود. به گفته ماروویچ " دولت خود به علت تشکیل جوخه های مرگ توسط پلیس برای ترور مخالفین، مرتکب جنایت می شد." ^[17] با همه این احوال رژیم میلوسویچ رژیمی توتالیتر نبود و تا اندازه ای به مخالفین اجازه فعالیت می داد و همین آزادی محدود به آتپور، امکانات لازم برای موفقیت را داد. ^[18] هم چنان که جنبش آتپور جا پای بیشتری در صربستان به دست می آورد، میلوسویچ فعالین را متهم به خیانت و تهدید علیه امنیت ملی می کرد^[19]. یک مقام دولتی اعضای جوان آتپور را " تروریست" فاشیست و پادوهای ناتو خواند^[20]. در ژانویه ۲۰۰۰ رژیم به مطبوعات حمله برده و رادیو تلویزیون را بست و رسانه را به جرم پوشش دادن فعالیت های آتپور به مبالغه هنگفتی جریمه کرد. ^[21] در می همان سال قتل یکی از هم دستان میلوسویچ بهانه لازم را به دولت داد تا عملیات سرکوب آتپور را آغاز کند. دولت این گروه را یک سازمان تروریستی اعلام کرد و پلیس اقدام به دست گیری فعالین جنبش نمود. پلیس هزاران تن را به جرم پوشیدن پیراهن آتپور بازداشت نمود و به دفاتر آتپور حمله برده و اوراق تبلیغاتی مهم، مانند پوستر و اعلامیه ها را ضبط کرد. ^[22] علی رغم تلاش رژیم برای خفه کردن صدای مخالفین، آتپور برای مقابله با سرکوب، " طرح ب" را به اجرا گذاشت. نخستین قدم کنترل ترس بود. به این معنی که فعالین را آماده می کرد که در صورت بازداشت چه چیزی را باید انتظار داشته باشند. قدم بعدی برنامه ریزی های دراز مدت برای اجرای روش های بی خشونت بود. در هر یک از تظاهرات افرادی مأموریت داشتند که اوضاع را زیر نظر داشته و در صورت بازداشت اعضا، به سرعت فعالین را هشدار داده و آن ها را در جریان بگذارند. در واکنش به هر بازداشت، آتپور بلافاصله تیم های خود را بسیج می کرد. تیم مطبوعات، رسانه های محلی، سازمان های غیر دولتی و احزاب مخالف در جریان گذاشته و به وکلا نیز خبر می داد تا نخستین کسانی باشند که به ایستگاه های پلیس که معترضین در آن جا بازداشت بودند بروند. ^[23]

سر انجام آتپور از طرفداران خود میخواست که در جلوی بازداشتگاه هایی که فعالین زندانی بودند جمع شوند. ^[24] این تجمعات وسیله بسیار خوبی برای اعمال فشار بر دولت بود. تجمع فعالین در جلوی بازداشتگاه ها، صلح آمیز و با نشاط بود تا فضای تجمع را پر شور نگه دارد. آن ها به موسیقی گوش می کردند و آواز می خواندند و یا والیبال بازی می کردند. ^[25] آن گونه که یکی از فعالین آتپور می گوید: " رهگذران آن ها را خنده دار می یافتند و پلیس از آن ها خشمگین می شد. اما چه می توانستند بکنند؟ بازداشت کسانی که در پیاده رو ایستاده و به موزیک گوش می کردند کار ساده ای نبود. پلیس که از یک طرف با پی گیری مصرانه وکلای حقوق بشر مواجه بود و از طرف دیگر تحت فشار تجمعات عمومی و رسانه ها قرار داشت مجبور می شد فعالین را که بی گناه زندانی شده بودند آزاد کند. پس از آزادی، فعالین بیانیه صادر می کردند و در آن، گفته معروف " جرج لوئیس برجس" را نقل می کردند: " خشونت آخرین پایگاه ضعیفان است." این بیانیه ها حاوی این پیام بود که: " رژیم بر آخرین پایه های خود ایستاده است و دلیل ساده آن هم روی آوردن به سرکوب است." ^[26]

طنز، یکی از واکنش های کلیدی آتپور در برابر رژیم بود. به عنوان مثال برای هجو و بی اثر کردن تبلیغات رژیم، فعالین تی شرت هایی می پوشیدند که بر روی آن عبارت " آتپور تروریست" نوشته شده بود. بنا بر گزارش " اسرديا پوپوویچ" یکی از فعالین این گروه، آتپور در بین مردم محبوبیت پیدا کرده بود برای این که: "من شوخی می کنم شما عصبانی می شوید. من مسخره بازی در می آورم شما مرا کتک می زنید و بازداشت می کنید. در این بازی شما همیشه بازنده هستید. برای این که شما فقط یک کار بلید ولی من هر روز شوخی تازه و پیام مثبتی برای مخاطبین بیشتری دارم". [27] در نهایت سرکوب ها نتیجه عکس داد و جنبش آتپور را به صورت " مظلوم ملی شماره یک" در آورد و هم دردی عمومی نسبت به جنبش را گسترده تر کرد. زیرا آن ها بر این باور بودند که سرکوب بی رحمانه جوانان برای شوخی و فعالیت های مسالمت آمیز بی معنی است. [28]

هم دردی عمومی آن قدر گسترده شد که حتی سبب جدا شدن بعضی از طرفداران میلوسویچ و پیوستن آن به آتپور گردید و به این ترتیب مخالفینی حتی در حلقه طرفداران میلوسویچ نیز ظاهر شدند. [29]

پیام و مخاطب



آتپور، پیام ساده خود را برای مقاومت از طریق آرم خود که مشتمل بر گره کرده سیاه و سفید بود به میان مردم می برد. این نماد بر در و دیوار همه شهرها در اقصی نقاط کشور نقش بسته بود.

جنبش می خواست مردم را متقاعد کند که آن ها نقش اصلی در تغییر رژیم را دارند و شعارها به نوعی طراحی شده بود که برای صرب ها انگیزه ساز باشد، شعارهایی مانند " مقاومت، برای اینکه صربستان را دوست دارم" و " مقاومت تا پیروزی" و برای این که رشد قدرت جنبش را نشان دهد " همه جا را فرا می گیرد" و یا " مردم آتپور هستند". [30] آتپور از دیوار نوشته، پوستر، اعلامیه و برچسب برای اشاعه این شعارها بهره می برد و همیشه این شعارها همراه با آرم آتپور یعنی مشتمل بر گره کرده سیاه و سفید بود تا آرم خود را برای مردم رسمیت داده و آن را به صورت نشان جنبش در بین مردم جا بیندازد. [31] گسترش شعارها و آرم آتپور رژیم را عصبی می کرد. یک فعال سیاسی که نشان مشتمل آتپور را بر دیوار یک ایستگاه پلیس اسپری کرده بود متوجه می شود که روز بعد پلیس ها از این نشان عکس گرفته و مدت های طولانی آن را آزمایش می کنند. " من متوجه ترس آن ها شدم و حس کردم که این اعمال کوچک، ترسی در آن ها ایجاد کرده که با اعمال خشونت آمیز امکان نداشت". [32] هم زمان که مبارزه آتپور فرا گیرتر می شد، دل نگرانی از آینده صربستان به دل نگرانی خود رژیم تبدیل می شد. در اذهان پلیس و ارتش این شک به وجود آمد که میلوسویچ تا چه زمانی می تواند ادامه دهد. آن گونه که یکی از رهبران مخالفین می گوید: " ما می دانستیم که میلوسویچ بدون حمایت پلیس نمی تواند مقاومت کند. ما می دانستیم که اگر بتوانیم بر روی پلیس و ارتش اطراف او اثر بگذاریم و آن ها را وادار به دوباره اندیشی درباره حمایت از او بکنیم، او نمی تواند نجات پیدا کند". [33] هرچند اتهام های رژیم علیه آتپور اغراق آمیزتر می شد و بازداشت های بیشتری صورت می گرفت، آتپور فرصت بیشتری پیدا می کرد تا تناقضات و ادعاهای بی اساس رژیم را برملا کند و حقیقت را برای پلیس روشن نماید. به نظر فعالین با این شیوه "پلیس دشمن را می شناخت و متوجه می شد

که دشمنان تعدادی جوان هستند که می خواهند با روش های مسالمت آمیز این رژیم را تغییر دهند و کشور را از شر این رژیم غیر دموکراتیک خلاص کنند".^[34] در مراحل نهایی مبارزه، حتی بعضی از افسران پلیس برجسب آتپور را روی ماشین های خود نصب کرده بودند و یک مقام رده بالای پلیس به یکی از رهبران سیاسی مخالف گفته بود: "لطفا هر چه زودتر میلسویچ را شکست دهید. من حالم از او به هم می خورد".^[35] هم زمان با آن، شهرداری های محلی با پلیس و ارتش قرار گذاشته بودند که آن ها نه نافرمانی کنند و نه فرمان ها را اجرا کنند. به این معنی که وقتی میلسویچ دستور اجرای عملیات را می دهد جواب مثبت بدهند ولی در عمل هیچ کاری نکنند.^[36] آتپور، تظاهرات عمومی بزرگی را سازمان داد. از جمله تعطیل کلاس های درس، کنسرت موسیقی راک و راه پیمایی طولانی مانند راه پیمایی از بلگراد تا نئی ساد به طول ۸۰ کیلومتر.^[37] در سیزدهم ژانویه ۲۰۰۰ شب سال نئی کلیسای ارتودوکس، آتپور تجمع عظیمی را در بلگراد سازمان داد که در آن موسیقی راک نواخته شد و در نیمه شب به جای جشن و پایکوبی، آن ها اقدام به نمایش تصویر و نام بردن از صرب هایی نمودند که در دوران میلسویچ کشته شده بودند و سرانجام مردم را با این پیام به خانه فرستادند که "امسال سالی خواهد بود که سرانجام، زندگی در صربستان پیروز می شود".^[38]

در جولای آن سال میلسویچ خواستار برگزاری انتخابات زود هنگام شد تا بلکه بتواند مشروعیت از دست رفته خود را باز یابد. آتپور مبارزه استراتژیک خود را برای انتخابات آغاز کرد. آتپور برای این مبارزه آماده بوده و یک سال تمام برای اتحاد مخالفین کار کرده بود و توانست به سادگی اعضای خود و احزاب مخالف را پشت سر یک کاندیدا (ووچیسلاو کو ستونیکا) جمع کند و سپس دو میلیون اعلامیه با شعار اصلی انتخابات " کار او تمام است"^[39] در سراسر کشور پخش کردند و این پیام را برای مردم فرستادند " ما نمی خواهیم که به ما رای بدهید. فقط از شما می خواهیم قبل از این که رای بدهید از فرزندان خود پرسید به کی رای بدهیم؟ آن چه فرزندان شما گفتند انجام دهید".^[40]

در دوران مبارزات انتخاباتی، آتپور، کمپین " خروج برای رای" را ترتیب داد و آن را "وقت آن است" نامید. جنبش هزاران جوان را از طریق برگزاری کنسرت در سراسر کشور و حمایت هنرمندان شناخته شده از کاندیدای خود، به حوزه های رای گیری کشاند.^[41] سر انجام به گفته یکی از فعالین جنبش " همه حس می کردند که پیام "کار او تمام است" یک پیام واقعی است و حقیقتا اتفاق می افتد".

^[42] آتپور با حمایت مالی ایالات متحده، سی هزار نفر ناظر انتخاباتی را تعلیم داده و در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰ به حوزه های رای گیری فرستاد تا مانع از سرقت آرا توسط رژیم شده و نتایج آرا را پی گیری نمایند.^[43] نتایج اولیه آرا پیروزی کوستونیکا را نشان می داد و دو روز بعد میلسویچ پذیرفت که نفر دوم شده است و خواستار برگزاری دور دوم انتخابات شد. معترضین در بلگراد با به صدا در آوردن جغجغه کودکان، امتناع میلسویچ از پذیرش شکست را مسخره می کردند و سر انجام آتپور آن چه را که ماه ها برای اجرای آن برنامه ریزی کرده بود، اعلام کرد: اعتصاب عمومی در دوم اکتبر.

مردم پل ها و راه ها را مسدود کردند و دانشجویان کلاس ها را بایکوت نموده و ده ها هزار نفر از معدن کاران و کارگران نساجی به اعتصاب پیوستند. پلیس ها در حاشیه ایستاده بودند و دخالتی نمی کردند.^[44] ماروویچ می گوید: " در طول ده روز، اعتصاب عمومی سراسر کشور را فرا گرفت و مملکت را فلج کرد. هیچ کس کار نمی کرد. جاده ها و راه آهن مسدود شده بود و کمپانی های بزرگ از کار باز ایستادند و رژیم هیچ کاری نمی توانست بکند".^[45] در پنج اکتبر، دویست هزار نفر، با اتومبیل، اتوبوس و بلدوزر به بلگراد آمدند و فریاد می زدند " خودت را بکش اسلو بودان و صربستان را نجات بده" اما هیچ کس به خشونت روی نیاورد.^[46] پوپویچ می گوید " ما به ملت آموزش داده بودیم که به پلیس حمله نکنند و خشونت به کار نبرند و منظم باشند" همان گونه که گاندی می گوید: " شما باید لشکر بی خشونت را آن قدر آموزش دهید که به نبرد نیازی نباشد".^[47]



فعالیت‌های فراگستر



احزاب مخالف در صربستان، در اثر مبارزه با یکدیگر برای سال‌های طولانی ضعیف شده بودند. ماروویچ می‌گوید: "تنها نقطه اشتراک آن‌ها این بود که همه می‌خواستند قدرت را به دست گیرند".^[48] چالش عمده آتپور این بود که این گروه‌های مختلف را برای انتخابات سال ۲۰۰۰ با هم متحد نماید. آن‌ها به جای استفاده از روش‌های قدیمی که رهبران این احزاب را دور یک میز جمع‌کنند و هدف‌های مشترکی پیدا کنند، تصمیم گرفتند ابتدا اعضای اصلی آتپور خود حول یک هدف مشترک با هم متحد شوند و آن هم بر کناری می‌لوسویچ بود.^[49] سپس روش‌های رسیدن به این هدف را انتخاب کردند، "اعتصاب عمومی و نافرمانی مدنی در واکنش به تقلب در انتخابات". تنها پس از آن بود که با گروه‌های مختلف تماس گرفتند و آن‌ها را متقاعد کردند که از این روش حمایت کنند. "به تدریج موفق شدیم که حمایت گروه‌های مربوط را برای این طرح جلب نماییم."^[50]

در آوریل ۲۰۰۰ رهبران دو گروه اصلی اپوزسیون برای نخستین بار از سال ۱۹۹۷ با یکدیگر ظاهر شدند و ماه بعد هجده حزب مخالف رژیم متحد شده و ائتلاف "اپوزسیون دموکراتیک صربستان" را به وجود آوردند.^[51] در همین حال آتپور با اتحادیه های کارگری و سازمان های محلی و شهرداری ها ارتباط برقرار کرد تا برای اعتصاب عمومی آماده شوند.^[52]

در روز انتخابات، اپوزسیون صربستان متحد و آماده اعتصاب بود. ماروویچ می گوید "مهم این بود که اکثریت مردم فعالانه در آن شرکت کردند و به همین دلیل بود که بسیار موثر واقع شد."^[53]

در اول آوریل ۲۰۰۱ میلوسویچ دستگیر و سال بعد محاکمه او به جرم جنایت جنگی در لاهه آغاز شد. او در ۱۱ مارس ۲۰۰۶ در زندان مرد و محاکمه او به پایان نرسید و بنابراین رای نهایی در مورد او صادر نشد. اگر چه صربستان امروز هم چنان از فساد رنج می برد ولی اکنون کشوری دموکرات است و انتخابات آزاد در آن برگزار می شود و این همان چیزی است که بنیان گزاران آتپور می خواستند.^[54]

پوپویچ می گوید: "میلوسویچ و رژیمش با نفرت پراکنی و تبلیغات خود، موعظه گر مرگ بودند. ما پیروز شدیم برای این که ما زندگی را بیشتر دوست داریم. ما تصمیم گرفتیم زندگی را دوست داشته باشیم. شما نمی توانید زندگی را شکست دهید. آن چه آتپور انجام داد همین بود و برای همین هم پیروز شد."^[55]

جدول زمانی

فوریه 1988: استعفا رئیس جمهور صربستان رسمی می شود؛ که پس از آن میلوسویچ به مقام ریاست جمهوری می رسد.

نوامبر 1996: در روز 17 نوامبر، انتخابات پارلمان ملی یوگوسلاوی برگزار می شود. ائتلاف مخالفین (ژاژدنو) در شهرداری های سی و دوشهر، از جمله بلگراد به پیروزی می رسیدند، اما در روز 25 نوامبر، میلوسویچ نتایج انتخابات را باطل اعلام می کند. اعتراضات علیه تقلب انتخاباتی آغاز شده و برای ماهها به طول می انجامد.

فوریه 1997: میلوسویچ اعلام می کند که پیروزی ائتلاف مخالفین در انتخابات را به رسمیت می شناسد.

اکتبر 1998: دانشجویان دانشگاه بلگراد جنبش مقاومت آتپور را بنیان می نهند.

مارس 1999: در پاسخ به امتناع میلوسویچ از تخلیه نیروهایش از کوزوو، ناتو بمباران صربستان را آغاز می کند.

اگوست 1999: در پی اعتراضات گسترده که چند ماه به طول انجامید، آتپور تولد میلوسویچ را با یک برنامه طنز آمیز مورد هدف قرار می دهد.

ژانویه 2000: آتپور تظاهرات گسترده ای را در سال جدید ارتدوکس (ی) و هم زمان با آغاز فعالیت کمپین "این سال ایپروزی است" بر پا کردند.

می 2000: به دنبال ترور هم پیمان میلوسویچ، رژیم دست به سرکوب جنبش آتپور زد که در نتیجه آن هزاران کنشگر مدنی دستگیر شدند.

جولای 2000: میلوسویچ خواستار انتخابات زود هنگام است و آتپور فعالیت خود را تحت کمپین "کار او تمام است" آغاز می کند.

سپتامبر 2000: انتخابات برگزار می شود و کاندیدای مقابل، کوستونیکا، موفق به اخذ اکثریت آرا می گردد. میلوسویچ خواستار دور دوم انتخابات می شود که منجر به اعتراضات گسترده می گردد.

اکتبر 2000: در روز دوم اکتبر، آتپور اعتصاب عمومی راه می اندازد که مملکت را فلج می کند. در روز 6 اکتبر، میلوسویچ شکست را می پذیرد و کوستونیکا رئیس جمهور می شود.

آوریل 2001: میلوسویچ به اتهام جنایات جنگی بازداشت می شود، تا توسط دادگاه بین المللی کیفری یوگوسلاوی سابق در لاهه محاکمه شود.

مارس 2006: میلوسویچ در اثر حمله قلبی در زندان می

تاکتیک های بی خشونت

روش های اعتراض بی خشونت

بیانات رسمی

بیانیه آتپور برای آینده صربستان که به امضا همه گروه های دانشجویی اصلی صربستان رسید، به عنوان بیانیه عمومی اهداف شناخته می شود که یکی از آن اهداف، برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه می باشد.

فعالیت های سمبولیک عمومی

آتپور سمبل خود، مشتش گره کرده سیاه و سفید، را برای نشان دادن مقاومت خود در مقابل رژیم میلوسویچ نشان داد. این سمبل بر روی کلاه ها و تی شرت ها استفاده می شد. برای دست انداختن رژیم، آتپور از فعالیت های سمبولیک مانند کمپین "دینارهای تغییر"، "کیک بزرگ برای رئیس جمهور"، و "تلسکوپ کسوف" بهره می برد.

نقاشی های دیواری، پوستر ها، برچسب ها و بنر ها

آتپور پیام خود را از طریق شعارهایی مثل "کار او تمام است" و "مقاومت تا پیروزی" به گوش همه می رساند.

ارتباط با مخاطبین بیشتر

دفترچه، جزوه، کتاب: آتپور صد هزار نسخه از مجله خبری خود با نام "مقاومت صربستان" منتشر کرد.

روزنامه، تلویزیون، رادیو: به دلیل محدودیت های وارده بر روزنامه ها و کانال های تلویزیونی عمده کشور، آتپور پیام خود را از طریق رسانه های کوچک تر محلی منتقل می کرد.

اجرای موسیقی

جهت جلب حامیان بیشتر، جنبش کنسرت های راک برگزار می کرد.

انجمن ها

آتپور انجمن هایی را برای حمایت از دستگیر شدگان در مقابل ایستگاه های پلیس ایجاد کرد.

بزرگداشت کشته شدگان

هنگام سال تحویل (سال 2000)، جهت بزرگداشت قربانیان، اسامی کشته شدگان خوانده شد و عکس هایشان بر روی دیوار نصب گردید.

راهپیمایی

آتپور راهپیمایی های زیادی را از یک شهر به شهر دیگر راه انداخت.

روش های عدم همکاری بی خشونت

تحریم

دانشجویان به سر کلاس ها نرفتند و پس از انتخابات سپتامبر 2000، آتپور عموم مردم را برای پیوستن به اعتصابات ترغیب

بیشتر بدانید

خبرها و تحلیل‌ها

[Braxton, Jesse. "Life Finally Must Win: The Otpor Movement and the Fall of Milosevic." 24 May 2006. PDF.](#)

[Cevallos ,Albert. "Whither the Bulldozer? Nonviolent Revolution and the Transition to Democracy in Serbia." United States Institute of Peace .August 2001. PDF.](#)

[Chiclet, Christophe. "Otpor: the Youths Who Booted Milosevic." UNESCO. March 2001.](#)

[Cohen, Roger. "Who Really Brought Down Milosevic?" The New York Times Magazine. November 26, 2000.](#)

[Dobbs, Michael. "U.S. Advice Guided Milosevic Opposition." The Washington Post. December 11, 2000.](#)

[Garton Ash, Timothy. "The Last Revolution." Hoover Digest 2001:1.](#)

[Ilić ,Vladimir. "The Popular Movement Otpor: Between Europe and Re-traditionalization." Policy Documentation Center. 2000. Word document.](#)

[Jovanovic, Milija. "Rage Against the Regime: The Otpor Movement in Serbia ".*People Building Peace II: Successful Stories of Civil Society.*](#)

[Marovic, Ivan. "Concrete Tactics for Nonviolent Change in Serbia." Gozaar. 1 July 2007.](#)

[Partos, Gabriel. "Analysis: Otpor's Challenge to Milosevic." BBC News. May 15, 2000.](#)

[Popovic ,Srdja. "An Analytical Overview of the Application of Gene Sharp's Theory of Nonviolent Action in Milosevic's Serbia." CANVAS. 31 Jan .2001 .Word document.](#)

[Rozen, Laura. "Milosevic's Media Blackout." Salon. May 18, 2000.](#)

["Serbian Case Study." CANVAS. 2004.](#)

[Smiljanic, Zorana. "Plan B: Using Secondary Protests to Undermine Repression." *New Tactics in Human Rights.* PDF.](#)

[Traynor, Ian. "Young Democracy Guerrillas Join Forces." The Guardian. June 6, 2005. PDF.](#)

کتاب‌ها

Ackerman, Peter and Jack DuVall .*A Force More Powerful: A Century of Nonviolent Conflict* .New York: Palgrave Macmillan, 2001.

Bujosevic, Dragan and Ivan Radovanovic .*The Fall of Milosevic: The October 5th Revolution* .New York: Palgrave Macmillan, 2003.

ویدیو

Bringing Down a Dictator .Dir. Steve York. Prod. PBS. 2001. Available in Persian on YouTube in four parts :[Part 1](#) | [Part 2](#) | [Part 3](#) | [Part 4](#)

Marovic, Ivan. Interview with Tavaana. Tavaana.org. March 2010.

پانویس‌ها

[1] Ackerman, Peter and Jack DuVall .*A Force More Powerful* :A Century of Nonviolent Conflict .New York: St. Martin's Press, 2000. Pg. 478.

[2] Ibid.

[3] Marovic, Ivan. Interview with Tavaana. Tavaana.org. March 2010.

[4] [Cohen, Roger. "Who Really Brought Down Milosevic?" The New York Times Magazine. November 26, 2000.](#)

[5] Marovic.

- [6] Marovic.
- [7] Ackerman and DuVall. Pg. 485.
- [8]“ [Otpor’s rationale for action and humor.](#)” [Bringing Down a Dictator. PDF.](#)
- [9] Marovic.
- [10] Cohen.
- [11] [Chiclet, Christophe. “Otpor: the Youths Who Booted Milosevic.” UNESCO. March 2001.](#)
- [12] Marovic.
- [13] Ibid.
- [14] Ibid.
- [15] Ibid.
- [16] Ibid.
- [17] Ibid.
- [18] [Garton Ash, Timothy. “The Last Revolution.” Hoover Digest 2001:1.](#)
- [19]“ [Chronology of Events, 1996-2000.](#)” [Bringing Down a Dictator. PBS.](#)
- [20] [Popovic ,Srdja. “An Analytical Overview of the Application of Gene Sharp’s Theory of Nonviolent Action in Milosevic’s Serbia.” CANVAS. 31 Jan .2001 .Word document.](#)
- [21]“ [Chronology of Events, 1996-2000”.](#)
- [22] Ibid.
- [23] [Smiljanic, Zorana. “Plan B: Using Secondary Protests to Undermine Repression.” New Tactics in Human Rights. PDF.](#)
- [24] Ibid.
- [25] Ibid.
- [26] Popovic.
- [27] [Popovic, Srdja. "On Otpor's strategy." CANVAS.](#)
- [28] Popovic. "An Analytical Overview of the [Application](#) of [Gene](#) Sharp’s Theory of Nonviolent Action in Milosevic’s Serbia".
- [29] Ibid.
- [30] Ibid.
- [31] Ibid.
- [32] Ackerman and DuVall. Pg. 486-7.
- [33] Ibid. Pg. 487.
- [34] [Marovic, Ivan. “Concrete Tactics for Nonviolent Change in Serbia.” Gozaar. 1 July 2007.](#)
- [35] [Andric, Ivan. “How Did We Succeed: Superior Propaganda for Advertising Freedom.” CANVAS. Ackerman and DuVall. Pg. 488.](#)
- [36] Cohen.
- [37] Smiljanic.
- [38] [Bringing Down a Dictator .Dir. Steve York. Prod. PBS. 2001.](#)
- [39]“ [Surprise Elections.](#)” [Bringing Down a Dictator. PBS.](#)
- [40] Ackerman and DuVall. Pg. 487.
- [41]“ [Otpor Campaign 1999-2000.” CANVAS.](#)
- [42] [Jovanovic, Milja. “Rage Against the Regime: The Otpor Movement in Serbia ”.People Building Peace II: Successful Stories of Civil Society.](#)
- [43] Ackerman and DuVall. Pg. 488.
- [44] Ibid.

- [45] Marovic. Interview with Tavaana.
- [46] Ackerman and DuVall. Pg. 489. Garton Ash.
- [47] Ackerman and Duvall. Pg. 489.
- [48] Marovic. Interview with Tavaana.
- [49] Ibid.
- [50] Ibid.
- [51]“ [Chronology of Events, 1996-2000](#)”.
- [52] Marovic. Interview with Tavaana.
- [53] Ibid.
- [54]“ [Freedom in the World 2009 Report: Serbia.](#)” Freedom House.
- [55]“ [Otpor’s rationale for action and humor](#)”.